

حکم دیپورت پروانه سر آبادانی در داخل هواپیما متوقف شد!

همان طور که در نامه فدراسیون به اداره مهاجرت و دادگاه مهاجرت سوئد اعلام شده بود، علیرغم اقدامات زیادی که برای ممانعت از دیپورت پروانه به ایران صورت گرفته بود، ساعت ۹:۳۰ صبح روز جمعه ۱۵ فوریه او را از بازداشتگاه اداره مهاجرت در شهر فلن به فرودگاه آرلندا انتقال دادند. تا آن ساعت فعالیت های زیادی برای جلوگیری از اخراج وی صورت گرفته بود. نامه فدراسیون در اعتراض به حکم اخراج پروانه، ساعت یک بامداد به اداره مهاجرت، دادگاه مهاجرت و دیوان عالی کشور و بسیاری از سازمانهای بشردوست و مدافع حقوق پناهندگی و رسانه های داخلی سوئد ارسال شده بود. یک روزنامه محلی همان روز با چاپ عکسی از پروانه نوشته بود: این زن

ادامه در صفحه ۱۱

نامه سرگشاده فدراسیون به اداره مهاجرت سوئد

خطر دیپورت حمیدرضا حسنی یاوند و پروانه سرآبادانی به ایران

حکم اخراج هر دو آنها باید فوراً متوقف گردد



اخراج پروانه سرآبادانی و حمید رضا حسنی یاوند را به ایران متوقف کنید.....

ادامه در صفحه ۱۰

مصاحبه با عبدالله اسدی در مورد شروع اقدام دولت سوئد به دیپورت پناهجویان در سال ۲۰۱۳



عبدالله اسدی

asadiabe@gmail.com

همبستگی: این طرح چه کیسهای و کدام دسته از پناهجویان را در برمی گیرد آیا این طرح شامل متقاضیان پناهندگی از ایران هم می شود؟

عبدالله اسدی: این طرح متوجه کسانی است که معروف هستند به پناهجویان بدون مدرک (Papperlösa) کسانی که بدون مدرک در این کشور و دیگر کشورهای اروپایی زندگی

ادامه در صفحه ۹



نازنین صدیقی

nazmoa@msn.com

هشت مارس روز جهانی زن

هشت مارس روز جهانی زن را در پیش داریم؛ جا دارد که نگاه اجمالی به تاریخچه این روز داشته باشیم.

در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاههای پارچهبافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا به خیابانها ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله پلیس و کتک زدن زنان برهم خورد.

سال ۱۹۰۷ در دوره ای که مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی اوج گرفته بود، به مناسبت پنجاهمین سال گشت تظاهرات نیویورک در هشتم مارس، زنان دست به تظاهرات زدند. ایده انتخاب روزی از سال به عنوان "روز زن" نخستین بار در جریان مبارزه زنان نیویورک با شعار "حق رای برای زنان" مطرح شد.

دو هزار زن تظاهر کننده در ۲۳

ادامه در صفحه ۱۲

گزارش جلسه گفت و شنود با وکلای امور پناهندگی در استکهلم



آینده نیز در دستور کار خود خواهد داشت. فدراسیون پناهندگان واحد

روز جمعه هشت فوریه به دعوت فدراسیون پناهندگان واحد استکهلم و کلا آنوتا خونک هامن وناد یا حاتم در جلسه هفتگی فدراسیون حضور داشتند. در این جلسه که حدود سه ساعت طول کشید ابتدا از طرف سارا نخعی دبیر فدراسیون ضمن خوش آمد گویی به حاضرین توضیحاتی در مورد نحوه برگزاری جلسه داده شد.

سپس نادیا حاتم وکیل آشنا به مسائل پناهندگی در مورد پروسه پناهندگی از ابتدا تا انتها توضیحات کاملی ارائه داد و در ادامه به سئوالات این جلسه فرصت مناسبی بود که اطلاعات لازم و ضروری مسائل پناهندگی در اختیار پناهجویان قرار گیرد. فدراسیون پناهندگان ایرانی در استکهلم ضمن تشکر از وکلا و حاضرین در جلسه برگزاری این گونه جلسات را در برنامه های



وزیر کشور آلمان از اتحادیه اروپا درخواست کرد سیستم ثبت و کنترل مهاجرین را گسترش

هانس پیتر فردریش وزیر کشور آلمان خواهان گسترش سیستم ثبت نام و کنترل مهاجرین در اروپا شده است. وزیر کشور آلمان به ویژه خواهان کنترل نه تنها مهاجرینی که به اروپا ورود میکنند بلکه حتی خروج آنها و تضمیناتی برای اطمینان از خروج آنها بعد از اتمام دوران ویزایشان شده است. هدف از این سیاست این است که افرادی که ویزایشان به اتمام میرسد قابل شناسایی و کشف باشند. اظهارات وزیر کشور آلمان بدنبال نگرانی از افزایش میزان مهاجرین غیرقانونی در آلمان است. اداره امنیت آلمان اعلام کرده است که میزان مهاجرین غیر قانونی در آلمان به ۲۱ هزار نفر رسیده که نسبت به سال گذشته ۱۸ درصد افزایش داشته است. فریدریش وزیر کشور آلمان که عضو حزب سوسیال مسیحی

آلمان (CSU) است، در اکتبر سال ۲۰۱۲ اعلام کرده بود که قصد دارد جلوی افزایش شمار پناهجویان در آلمان را بگیرد، موضع وزیر کشور همان موقع بلافاصله با اعتراضات گسترده ای در آلمان مواجه شده بیش از ۳۰۰۰ هزار نفر در برلین علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت دست به تظاهرات زدند. دامنه انتقادات به سیاستمداران و سایر احزاب اپوزیسیون پارلمانی آلمان کشیده شد و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی نیز وسیعا به این سیاست اعتراض کردند. کمیسیون اروپا نیز قرار است تا آخر فوریه میبانی و چهارچوبهای حقوقی سیاست ثبت و کنترل مهاجرین در اروپا برای اجرای قانونی این سیاست در اروپا را ارائه دهد.

نشریه
همبستگی هر
دو هفته
یکبار منتشر
میشود

از این سایتها دیدن کنید

www.hambastegi.org

www.rowzane.com

www.cyoiran.com

www.iransolidarity.org.uk

www.wpiran.org

قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست



فاطمه محمدنژاد

دست خشونت علیه زن کوتاه

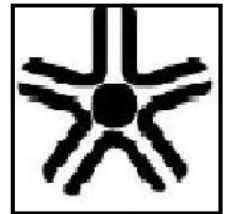
کنند ولی نسبت به مردان دست مزد کمتری دریافت می کنند. زنان در صورت برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج علاوه بر اینکه در جامعه مورد تحقیر قرار می گیرند برطبق قوانین اسلامی مورد شدید ترین مجازاتها تاحد سنگسار قرار می گیرند. یعنی حیوانی ترین احکام دین اسلام. اگر زنی از زندگی زناشویی خود راضی نباشد باید بسوزد و بسازد زیرا حق تلاق با مرد است و این مرد است که اگر زندگی زناشویی به مزاجش خوش نیامد هر آن که اراده کند بدون مشکل جدا شود. تازه بعد از تلاق باحتمال می تواند ازدواج موقت کند یا آزادانه هر

وگواه برای بی عدالتی علیه زنان می بینیم که هیچ دلیل منطقی برایش نمی یابیم. فقط و فقط به امید این هستیم که روزی فرا برسد که ریشه ظلم و بی عدالتی در دنیا و مخصوصا علیه زنان در ایران کنده شود و همه ما روزی شاهد برابری و مساوات بین همه انسان ها باشیم. به امید روزی که در کشور عزیزمان ایران به یک زن به عنوان یک انسان برابر نگاه کنند. ولی همه ما خوب میدانیم که تغییرات بنیادی در زندگی زنان بدون سرگونی جمهوری اسلامی غیر ممکن است باید این غده سرطانی را از ریشه بخشکانیم. به امید سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران

مسئولیت
مقالات مندرج
در نشریه
همبستگی با
نویسندگان
آنهاست. درج
مقالات در این
نشریه به
معنای تأیید
مضمون آنها از
سوی نشریه
همبستگی
نمیشود

وقتی کلمه خشونت را می شنویم بی اختیار به یاد ایران و حکومت اسلامی می افتیم چرا که به مدت ۳۴ سال است ما زنان در ایران خشونت را مخصوصا خشونت بر علیه زنان را با گوشت و پوستمان حس کرده ایم. تبعیض یکی از انواع خشونتها علیه زن میباشد. از مسائل ساده مثل شهادت زن که نصف مرد است گرفته تا دیگر مسائل، مانند سهم و ارث زن و حقوق و دست مزد زنان در مقابل دستمزد مردان در کارخانه ها و کارگاهها، که موقع کار زنان دوشا دوش مردان کار می

مشاوره در مورد موازین و مقررات پناهنده پذیری در کشور سوئد



ساعات و روزهای ملاقات: چهارشنبه و جمعه هر هفته (بجز روزهای تعطیل) از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۵ بعدازظهر جهت دریافت اطلاعات بیشتر، با شماره تلفن های: ۰۴۰-۶۱۱۶۱۰۹ ۰۷۶۵۶۴۶۴۲ با آقای امیرحسینی، تماس حاصل نمایید

فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد مالمو، برنامه مشاوره و راهنمایی در مورد مسایل پناهندگی برگزار میکند. بهمین منظور، جهت دریافت اطلاعات لازم و اولیه می توانید به دفتر فدراسیون بنام Ystadvägen Träffhuset واقع شماره ۴۲ طبقه پنجم مراجعه کنید.



همبستگی از آن
دسته از دوستانی که
مطالبشان در این
شماره به چاپ
نرسید پوزش
میخواهد. در شماره
بعدی مطالب
ارسالی شما عزیزان
منتشر خواهد شد.

تماس با

فازنین صدیقی سردبیر همبستگی
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۹۱۴۰۷۲

nazmoa@msn.com

Facebook: NazaninSeddigh

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

می‌شد چون نه تنها روحش در خانه بلکه جسمش در جامعه تخریب شده بود. می‌خوام فریاد بزنم و بگم که همه انسانها روی این کره خاکی حق دارند بله حق دارند که زندگی کنند نه تحمل، حق دارند انتخاب کنند نه برایشان انتخاب کنند..

زندگی... نه تحمل



و عقایدشان تحت تاثیر قوانین، سنت‌ها و رفتار و فرهنگ و خرافاتی که جمهوری اسلامی در مغز مردم تزریق می‌کند قرار می‌گیرد و این باورها در ذهنشان شکل می‌گیرد.

بنابراین چنانچه فرزندان این خانواده‌ها عقایدشان خلاف نظرات و باورهای والدین خود باشد در خیلی از موارد با مشکلات جدی مواجه می‌شوند و جایی برای تفکر و اندیشه آزادانه آنها نه در خانه و نه در جامعه باقی نمی‌ماند و آرزوهایشان برآورده نمی‌شود.

دختری را به خاطر می‌آورم که دقیقا از این موضوع رنج می‌برد، این دختر در خانواده‌ای بزرگ شده بود که پدر و مادرش مذهبی بودند. مادرش معلم معارف اسلامی و پدرش قاضی بود. تمام افکار و عقاید پدرش بر مبنای قوانین و باورهای جمهوری اسلامی بود؛ جمهوری اسلامی‌ای که حقوق جزاییش به قاضی این اجازه را میدهد که بر اساس (علم شخصی خودش عمل کند) یعنی قاضی میتواند به سادگی زنی را تنها به خاطر شکایت همسرش به سنگسار محکوم کند.

واقعا اگر دختر این خانواده بخواهد به خواسته‌ی خود و آن چیزی که خودش دوست دارد انجام دهد، چه میشود؟؟ اما اگر نخواهد

از دستورات والدین خود بطور کورکورانه اطاعت کند و باید و نبایدهای آنها را انجام دهد چه می‌شود؟؟ ما در جامعه‌ای بنام ایران زندگی می‌کنیم که زنان در آن دارای هیچ نوع حقوق مساوی با مردان نیستند.

در واقع زن در ایران و در قوانین جمهوری اسلامی بعنوان بخشی از جامعه از هیچ حق و حقوقی برخوردار نیست و از هر جنبه‌ای به آن نگاه می‌کنید نقش زن به عنوان بخشی از سازندگان و تشکیل دهندگان جامعه نادیده گرفته می‌شود. حتی متأسفانه در بسیاری از موارد مذهب این فرق را به باور زنان تبدیل کرده است.

پذیرش حجاب به عنوان سمبل بردگی زن یکی از این موارد است. دختر مورد بحث من نمی‌توانست حرفهایش و عقایدش را به



مهسا مهرگان

هر انسانی نیاز به آرامش، امنیت، تفکر آزاد و بالاخره به عنوان يك انسان حق دارد که زندگی کند، حق دارد آزادانه برای زندگیش تصمیم گیری کند و هیچ‌گونه زور و اجباری نباید که مانع پیشرفت انسانها شود و تاثیر در کمالات انسانی بگذارد.

اما در ایران که قوانین استبدادی جمهوری اسلامی حکم فرمایی می‌کند این حقوق انسانی، معنی و مفهومی ندارد و این در صورتی است که حاکمان جمهوری اسلامی این را حق خود می‌دانند که مردم ایران باید از دستورات آنها اطاعت کنند، اما آنها باید بدانند که اینطور نیست و این طور باقی نخواهد ماند و هر شروعی روزی پایانی دارد و این پایان خیلی نزدیک است.

باید در نظر گرفت بعضی از جوانان در ایران نه تنها از شرایط موجود در جامعه رنج می‌برند بلکه در جامعه کوچکی به نام خانواده هم، آرامش و ذره‌ای از اینکه احساس کنند حق با آنهاست وجود ندارد، چرا که در بسیاری موارد والدین افکار

از سایت فدراسیون
سراسری پناهندگان
ایرانی دیدن کنید.
در این سایت
در مورد قوانین
مهاجرتی کشورهای
اروپایی اطلاعات
بسیاری موجود
است. شما پاسخ
بسیاری از سؤالات
پناهندگی خود را در
این سایت خواهید
یافت

www.hambastegi.org



we have renounced
religion!

Ex-Muslim expresses itself in
words

<http://ex-muslim.com>



فاطمه فیلی

ایران زندانی برای زنان

قسمت اول

دراصل انسانیت او رابه راحتی پایمال کرده چراکه به راحتی و با بررسی قوانین حاکم میتوان به این موضوع پی برد؛ مثال روشن آن این است که یک دخترکه تابه حال ازدواج نکرده حق ندارد به راحتی وبدون نظردیریاپدربزرگ خود با هرکس که مایل است زندگی مشترک داشته باشد چون قانون مدنی، ماده ۱۰۴۲ میگوید نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در

این صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که میخواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

و دراصل وجود چنین قانونی صریحا به وی میگوید بین پدر وعشقت یکی را انتخاب کن وخوب معلوم است که لطافت جنس زن هیچگاه نمیگذارد باز دست دادن وناراحت کردن عزیزى به دیگری برسد و از این رو در اکثر اوقات ناچار به

در قوانین ایران زن جایگاه خاصی دارد اما خاص بودن این جایگاه به معنی خوب بودن آن نیست در واقع قانون ایران سعی کرده در ظاهر برخی قوانین خود مثل مهریه و نفقه را برای سرپوش گذاشتن به سایر قوانین ضد زن به عوام ارائه دهد و به نوعی خواسته باین ترغیب از طریق مادیات حقوق زنان را پایمال کند و از طرفی هم به جامعه جهانی نشان دهد که حامی حقوق زن است اما

تسلیم میشود از جمله موارد دیگر قوانین ضد بشری موجود در ایران علیه زنان می توان به ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اشاره کرد که میگوید مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

یعنی اگر زن نخواهد به هر عنوانی زندگی مشترکش را ادامه دهد بفرای جدایی باید راه بسیار سختی را طی کند تا شاید از کسی که به هر دلیلی میل ادامه زندگی با او را ندارد جدا شود و حال باید پرسید که وقتی یک زن در قانون ایران حق انتخاب بدون اعمال نظر پدر در مورد شریک آینده اش را نداشته وبعد از ازدواج نیز اجبارا باید با مردی که دلخواهش نیست زندگی را ادامه دهد و حق جدایی برایش در نظر گرفته نشده از نظر حقوق انسانی در کجا

سرنگون باد
حکومت
جنایت
اسلامی

خمینی هزاران زندانی فقط به خاطر ابراز عقیده در سالهای ۶۰ تا ۶۷ به جوخه های اعدام و چوبه های دار سپرده شدند و بعد از سه دهه اوضاع کشور از هر لحاظ (اقتصادی،

اجتماعی، امنیتی و ... رو به زوال است. در این شرایط وخیم کشور و با توجه به اینکه پیکره رژیم پوسیده و کشمکش شدیدی بین جناحهای آن در جریان است تنها راه غلبه بر این رژیم، همبستگی و اتحاد همه قشرهای مردم است.

نابود باد جمهوری اسلامی

آغاز حکومت ننگین جمهوری اسلامی



احسان مظفری

پیمانان او در دام اسلامگرایان گیر افتادند و انقلاب مردم توسط اسلامگرایان تندرو ربوده و حرکت مردم به سمت حکومت فاشیستی اسلامی تغییر جهت داد.

یکی از علت هایی که مانع از شناخت کامل مردم از خمینی شد دوری ۱۵ ساله او از ایران به علت تبعید بود. بازتاب رسانه ای مصاحبه های خمینی بویزه بوسیله بی بی سی فارسی، علت

مطرح شدن خمینی و محبوب شدن او نزد مردم ایران بود به طوریکه حتی برخی نخبگان فکر می کردند او منجی آنها برای رسیدن به دموکراسی است.

ولی خمینی بعد از به قدرت رسیدن، روش و سبکی کاملا متفاوت با وعده هایی که داده بود در پیش گرفت و مردم نه تنها به دموکراسی نرسیدند بلکه آزادیهای فردی و اجتماعی اولیه خود را از دست دادند. به دستور

حضور مردم در سال ۵۷ در خیابانها و تظاهرات بر علیه حکومت شاه به دلایلی چون دیکتاتوری، فاصله طبقاتی و عدم آزادی سیاسی انقلاب ۵۷ را رقم زد.

هدف مردم دستیابی به شرایطی بهتر و فضایی آزادتر و دموکراسی بود ولی به دلیل عدم شناخت کافی از خمینی و ایدئولوژی و سبک او و هم

ایران تحت
حاکمیت
جمهوری
اسلامی
کشوری امن
نیست، هیچ
پناهجوی
ایرانی نباید
به ایران
بازگردانده
شود

"نگرش دین و قانون اساسی جمهوری اسلامی به زنان"



سمیرا محمدی

در شماره پیشین به مبحث گسترش روند طرح های تبعیض آمیز علیه زنان پرداختم و آینده تاریخ زنان در ایران را که حاصل اینگونه طرح ها خواهد بود به زبان تحریر در آوردم و خاطر نشان کردم که آگاهی از حقوق واقعیان کلید رسیدن به روشنایی خواهد بود، در این راستا نگرش دین و قانون اساسی جمهوری اسلامی به زنان را تحلیل کرده تا جایگاه و حقوق زنان از نظر قانون اساسی را دریابیم.

در مقدمه قانون اساسی موقعیت زن در جمهوری اسلامی این گونه تعیین شده است:

"در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی

حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظائف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت (شیئی بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ و خود

ابزار در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده می کند. همانطور که مشاهده می فرمائید وعده استیفای حقوق بیشتر از نظام قبلی داده شده است و آنچه در جامعه جمهوری اسلامی وجود دارد بی حقوقی مطلق سیاسی و اجتماعی است. پس از به حاکمیت رسیدن جمهوری اسلامی وضعیت زنان به تناسب دیدگاه حاکمیت جدید در بسیاری از عرصه های زندگی خصوصی و اجتماعی با



خارج کرد و نقش همسر و مادر را به زن اختصاص داد و زن را نه تنها با خانواده بلکه با سنت، فرهنگ و مذهب نیز مرتبط کرد.

اگرچه موضوعات خانوادگی و به ویژه بهبود کیفیت زندگی خانوادگی از اهمیت والایی برخوردار می باشد ولی آنچه هدف این نظام است بیرون راندن زنان از اجتماع و رساندن به انزوای مردسالار خانواده است چرا که از نظر جمهوری اسلامی

زن وسیله ای تولید و پرورش نسل آینده است و این مسئله اهمیت ندارد که فرزندان این مادران به دور از جامعه چگونه تربیت خواهند شد و با چه نگرشی وارد اجتماع می شوند!

آنچه در قانون اساسی مطرح می شود خروج زنان از حالت شیئی بودن است و سوالی که در ذهن نقش می بندد چگونگی وضعیت زنان ایران است؟

مشکلات و معضلات فراوان روبرو گردید. ستم جنسی که در عرف و شرع وجود داشت با گرفتن شکل قانونی به خود زندگی تمام زنان را تحت الشعاع قرار داد و مذهب مهر تائید این قوانین را با وقاحت تمام بر پیشانی زندگی تاریخ زنان نشانده. نظام مرد سالار جمهوری اسلامی زنان را از تعاریف و تفاسیر استقلال، آزادی و برابری ارزش و کرامت والاتر برای زنان

همان زندانی است که درون و بیرون خانه برای زنان ساخته است؟! است

کلام آخر:

"قانون اساسی جمهوری اسلامی، زن را موجودی وابسته و غیر مستقل می شناسد و او را تحت حمایت مرد و دولت قرار داده است، هر گونه استقلال تصمیم گیری بر جسم و آینده خود را از او سلب کرده و در لفافه مرد را مالک زن معرفی می کند. حقوقی که قانون اساسی برای زنان تعریف کرده است رنگ و بویی از برابری زن و مرد ندارد و مصداق واقعی استثمار زنان است."

در شماره بعد پیرامون مبحث حق زنان بر جسم خود خواهم نوشت و امیدوارم همراه من باشید، به یاد داشته باشیم که آگاهی کلید موفقیت ماست.

**تماس با فدراسیون
سراسری پناهندگان
ایرانی**

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

asadiabe@gmail.com

abe.asadi@localnet.net

انتخابات، دعوای درون نظام و استفاده مردم از این موقعیت



سعید آریاپور

موضوع برمیگردد به انتخابات، و از دعوای اخیر بین آقایان، درون نظام را میبینیم. یاد حرفهای آنها میافتیم که در سال ۸۸ و در جریان آن انتخابات ننگین و بدنبال خیزش مردمی سال ۸۸ میگفتند: "که در انتخابات بعدی فتنه بزرگتری اتفاق میافتد."

برای همین بود که این سالها بدنبال تغییر در نظام جمهوری اسلامی از ریاستی به پارلمانی بودند. "این نشان یحزانی عظیم در نظام جمهوری اسلامی است و عملاً میخواهند این بحران را از بین ببرند زیرا میترسند. چرا!؟"

بخاطر اینکه علاوه بر تمام ساختارها و مهندسیهایی که در نظام انجام میگیرد باز با بحران مواجه میشوند و میبینید که نمونه بارز آن انتخابات سال ۸۸ هست و بدنبال آن حتی من مطمئنم که در انتخابات پیش رو مشکلات بسیار زیادی را حکومت ایران با آن روبرو خواهد شد. مشکلات را میبینید که امروز به چه سطحی کشیده شده است.

دعوا سر قدرت است نه ملت؛ از همان ابتدا تثبیت این رژیم نیز چنین نبوده و این آقایان فقط به فکر قدرت بوده اند. میبینیم که حتی رئیس مجلس که خود یکی



شده و بسیار هیچانی است. ملت ایران باید آگاه باشد. برای همین است که هنوز میبینید که همه و حتی سپاه پاسداران و نماینده ولی فقیه در سپاه فقط فعلاً در حد رجز خوانی عمل میکنند و هنوز هیچ مهندسی از طرف سپاه شکل نگرفته.

بنظم انتخابات سخت خواهد بود، نظرم روی ولایتی دیگر نیست و حتی قالبباف و محسن رضائی و ووووو چون نمیتوانند در کنار کاندیدایی چون مشایبی رای بیاورند ولی من امیدوارم در این انتخابات که از هر نظر به نفع مردم ایران نخواهد بود که همه هم میدانیم، ملت ایران بخود بیایند و آینده خود را یکبار برای همیشه تغییر دهند.

باید از این دعوای بین خودیهای نظام استفاده کرد و در جنگی که بین اینها ایجاد میشود مردم هم دخیل شوند و از یکجا شروع کنند و یک طرف قضیه را در دست و به سود خود تمام کنند! باز هم میگویم اگر مردم تکان نخورند این حکومت ۳۵ سال دیگر هم خون شما را خواهد خورد!.....

حکومت منفور جمهوری اسلامی! من سعید آریاپور احتمال همه چیز را خواهم داد. در این انتخابات باز هم میگویم و محکمتر هم میگویم: نظام جمهوری اسلامی قابلیت و پتانسیل سرنگونی را دارد!

در این روزها دیدیم که حتی احمدی نژاد هم اسبش را زین کرده و شمشیر را از رو بسته و حتی هشدار میدهد که من ایستاده ام و تا آخرش هم میایستم، حتی میبینید که دخالتی را که در انتخابات پزشکان و نظام پزشکان کرده و در آنجا تاکید کرده که از نظری حتی انتخابات پیش رو را بدلیل رد صلاحیت عده ای از کاندیده ها اینطور تحلیل کرده و گفته: "این انتخابات از نظر من غیر قانونی خواهد بود."

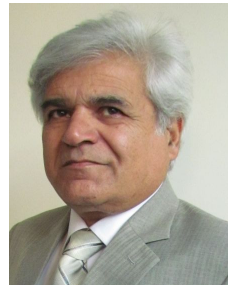
دوستان توجه کنید جنگ را و

از سران سه قوه است و نماینده اول شهر قم هم هست نمیتواند در شهر خودش امنیت داشته باشد تا سخنرانی کند و در آنجا همان عده ای که باید باشند، هستند و جواب اینها را میدهند... همانطور که هاشمی رفسنجانی نتوانست در آنجا سخنرانی کند!! همانطور که نوه خمینی نیز نتوانست در تهران سخنرانی کند! همان اراذل اوپاش به اسم بسیج و امت حزب الله!..

میبینیم که امروز همینها اسیر فلسفه های جمهوری اسلامی شده اند، چیزیکه دیروز کاشتند را امروز برداشت میکنند، شوخی نیست صحبت انتخابات است، صحبت آینده نظام است.. ۱۰۰٪ در این چند ماه پیش رو ما با فراز و نشیبهای عجیبی روبرو خواهیم بود در بین آقایان

**به فدراسیون
سراسری
پناهندگان
ایرانی کمک
مالی کنید**

Plusgiro
200974-4



محمد تقی فرهانی

ادیان مروج و مبلغ کشتار مخالفین



انسان هوشمند خرافات دین را نمی پذیرد حدود هزار و چهارصد سال است که دین اسلام ظهور کرده است و بیشماری از مردم جهان از این آئین پیروی میکنند.

اگر به درستی تاریخ را ورق بزنیم درمی یابیم با توجه به شرایط آن روزگار و با حمله های گسترده به کشورهای دیگر از جمله ایران توانسته بسیاری از ملتها را تحت نفوذ خود درآورند و با تبلیغات بسیار آنان را وادار به اطاعت از این آئین نمایند و در کشورهای عقب مانده که میزان سواد و آگاهی در سطح بسیار پایینی قرار دارد پیروان این آئین درصد بالایی از جمعیت کشورشان را شامل می شود و مروجان این آئین از خرافات که گریبانگیر اکثریت ساکنان این مناطق می باشد نهایت استفاده را کرده و آنرا آئین الهی یعنی دینی که از طرف خداوند به صورت وحی توسط جبرئیل از آسمانها به حضرت محمد نازل شده است معرفی نموده اند. مسلمانان بر این باور هستند که آیات قرآن طی بیست و سه سال تدریجا از آسمان به زمین آمده و کتابی آسمانی است و به همین

بینید انسان دارای هیچگونه حقی نیست و خداوند همه چیز او را گرفته است. مال او را، جان او را خریده و به او بهشت فروخته است و حدود پانصد آیه در نفی مخالفین و تهدید آنان و قتل و غارت آنان آمده است. در این آیات آمده است که انسان، شخصی است خود فروخته که فقط دارای تکلیف است و از خود هیچگونه اراده ای ندارد و فقط وسیله فعالیت یافتن مشیت الهی است. انسان در قرآن و دیگر کتب دینی فقط تکلیف اجرا می کند و آینده اش هم این است که به طرف آخرت برود.

اما انسان هوشمند این چیزها را قبول نکرده و بعدها با مدون کردن قانون در موضوع حقوق بشر مشخص شد که انسان دارای حق است حق تشکیل دستجات و حق انتقاد و تمام حقوق انسانی که هیچکدام از اهل دین به خصوص اسلام اجازه آن را به انسان نداده است چون این کتابها را دیگر نوشته اند و رونویسی از دیگر آئینهاست و دارای خطاهای بسیار و به خاطر همین خطاها بود که علمای دین به روایات روی آوردند و در زمان حضرت محمد تعداد قرآنها بسیار بود که بعد از فوت ایشان عثمان قرآنها را جمع آوری کرد و با حضور چند نفر شاهد یک قرآن را انتخاب و بقیه را سوزانیدند.

نگیرد و به اصل موضوع نیندیشد. بعد از قرنهای تسلط دین در جوامع و در تاریکی ماندن و راه به جایی نبردن و عقل را تعطیل کردن؛ انسان هوشمند از خواب بیدار شد و دست مابعدالطبیعه را از زندگی مردم کنار زد. شروع به نگاه زمینی کردن به مسئله دین نمود تا آنجا که دریافت انسان در این جهان دارای حق و حقوقی است اما اگر به قرآن نگاه کنید می

جهت می باشد که آنرا مقدس می شمارند و این تقدس تا آنجا پیش رفته که مسلمانان با اشاره به یکی از آیات که میگوید ما این دین را تکمیل کردیم جستجوگر هیچ چیز دیگری در جهت پیشرفت نبوده و گامی به جلو نگذاشته اند.

البته تا زمانی که میلیونها نفر این کتاب را مقدس می شمارند به نظرشان احترام می گذاریم اما این سبب نمی شود که انسان واقعیتها را در نظر

اما مسلمین میگویند قرآن به همین صورتی که امروز در دست ماست از آسمانها آمده است. ولی قرآنی که چهل سال پیش در یمن کشف شده است این حقیقت را ثابت می کند که قرآن کتابی زمینی است و آسمانی نیست اما انسان تعجب میکند از این همه آیات که از ابتدا تا انتها درباره قتل و غارت اموال مردم نوشته شده است. به راستی قرآن کتاب وحشت است همین که در این کتاب غیر خودی را نفی می کند باعث این شده که فرقه های اسلامی هر کدام خودشان را خودی و بقیه را غیر خودی بنامند و با توجه به همین که آیات قرآن غیر خودی را کافر می داند باعث جنگ های بسیار بین خود مسلمانان و کشتار خودشان شده است. اهمیت يك اثر در پیامدهای اجتماعی آن است ببینید آیا يك جامعه مسلمان خوشبخت در جهان پیدا می شود؟ يك جامعه آزاد مسلمان وجود ندارد و اینکه که بخواهیم به خود بقبولانیم که اسلام آخرین و بالاترین و جامع ترین و کامل ترین دین است و اسلام آخرین عقیده ای است که سعادت جامعه را تضمین می کند و رستگاری انسان در آن است خیال باطلی است که ره به جایی نمی برد.

حق پناهندگی یک حق جهانشمول است



زاله حافظ

من يك زن هستم كه مجبور شدم از وطنم با تمام دلبستگیها و خاطراتم فرار كنم و به کشور دیگر پناه بیاورم. سالها زحمت کشیدم تا توانستم زندگی دلخواهم را مهیا کنم ولی متأسفانه برای حفظ جانم و آرامنهایم همه را پشت سر

من هم به ندای دورنم گوش سپردم

گذاشته و چند ماهی است به این کشور پناه آورده ام. وقایعی که همچون کابوسی همواره بر زندگی و روح و روانم سایه انداخته... صحنه های دردآوری که دل هر انسان آزادی خواهی را بدرد میآورد... من هم به ندای دورنم گوش سپردم و همراه با هموطنانم در تظاهرات

بار بی عدالتی و ستم جمهوری اسلامی شکسته شده بود ولی با مشکلات خطرناکی که برایم پیش آمده بود دیگر توان شرکت در تجمعات اعتراضی و ماندن در ایران برایم غیر ممکن شده بود. نشریه همبستگی را از روی سایت می خواندم و علاقه زیادی به تنوع مطالب آن و فعالیت های فدراسیون در دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی پیدا کرده بودم. من به منظور آگاه کردن مردم نسبت به خط و جهت نشریه همبستگی و کمک های این نهاد به پناهجویان ایرانی در

خارج از مرزهای ایران، تصمیم به نشر و تکثیر این نشریه در میان مردم گرفتم و بسیاری را با سایت فدراسیون و نشریه همبستگی آشنا کردم. بهر حال در راستای هدفم و آگاهی رساندن به مردم هر چند کوچک قدمی برداشته بودم ... و اکنون که در کنار این عزیزان در فدراسیون سراسری پناهندگی هستم بسیار خوشنودم که میتوانم در فضایی آزاد صدای هزاران هزار مردم دردمند و محصور در ایرانم را به گوش دنیا برسانم... زنده باد مردم ایران

ادامه مصاحبه با عبدالله اسدی ... از صفحه ۱

میکند و متقاضیانی که به درخواست پناهندگیشان پاسخ منفی داده و آنها از نظر دولت، پناهجویان پرونده بسته تلقی می شوند. پناهجویان ایرانی هم دارای چنین موقعیتی هستند و همه آنهايي که پرونده پناهندگیشان بسته شده است شامل این طرح قرار گرفته و بنا به اخباری که از طرف خود پناهجویان و بستگان و دوستان و هم کمپنیهای آنها به فدراسیون رسیده است؛ پلیس مرزی این کشور به دهها آدرس که اداره مهاجرت در اختیار پلیس قرار داده مراجعه کرده است.

حمیدرضا حسنی یابوند و پروانه سرآبادانی که هم اکنون در بازداشتگاه اداره مهاجرت نگاه داری می شوند و در نتیجه طرح اخیر دیپورت پناهجویان، بازداشت شده اند.

همبستگی: چه اقداماتی تا بحال از سوی فدراسیون و دیگر سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی برای جلوگیری از اجرای این طرح صورت گرفته است؟

عبدالله اسدی: تا این لحظه که با شما گفتگو می کنم اقدامات چشمگیر و قابل توجهی صورت گرفته است. عکس العملی که روز شنبه دوم مارس مردم گوتنبرگ نشان دادند پاسخ بسیار محکم و به موقعی بود به اداره مهاجرت و دولت سوئد. تا همینجا می بینیم که مقاومتها و مبارزه ای گسترده در حال شکل گرفتن در اعتراض به تصمیمات اخیر دولت سوئد است. تلاش های که برای جلوگیری از دیپورت پروانه سرآبادانی و حمیدرضا حسنی یابوند صورت گرفت گویای آمادگی برای مقابله با سیاست دیپورت است. تا بحال جلسات و برنامه های زیادی از سوی سازمانها و نهادهای مدافع

حقوق پناهندگی اعلام شده و یا در حال انجام است. خوشبختانه تا آنجایی که به موقعیت پناهجویان ایرانی بر می گردد همیشه این آمادگی در میان آنها وجود داشته و فعالیتهایی که تا بحال انجام گرفته است در مجموع، روند تصمیم گیری دولت و اداره مهاجرت در جهت اخراج پناهجویان ایرانی را بشدت کند کرده است. در دو سال اخیر سیاست دیپورت به ایران از سر گرفته شد و ما با تمام توان جنگیدیم و اجازه ندادیم پناهجویان ایرانی را به آن جهنمی که جمهوری اسلامی برای مردم آن کشور ساخته است دیپورت کنند.

نه تنها اجازه ندادیم آنها را یکی یکی بگیرند و در کمال خونسردی به ایران دیپورتشان کنند، بلکه بازداشت هر پناهجوی ایرانی را به افتضاحی برای دولت سوئد و یک آکسیون جنجالی علیه رژیم اسلامی در ایران تبدیل کرده ایم.

همبستگی: چرا چنین برنامه ای در دستور کار دولت سوئد قرار گرفته است؛ قبلا سوئد سیاست پناهنده پذیری چنان سختگیرانه ای نداشت؟

عبدالله اسدی: ببینید سالها پس از جنگ سرد قدرت دولتی در سوئد در دست سوسیال دمکراتها و کلا بلوک سرخ و سبز بود. ولی اینها حرف و الگوی جدیدی برای اداره جامعه نداشتند، نتوانستند تنوعی در سیاست خود ایجاد کنند. سیاست پناهنده پذیری آنها که سمپاتی و نزدیکی بیشتری به مبانی کنوانسیون ژنو در مورد پذیرش پناهندگان داشت، یک دفعه تحت تاثیر پایان جنگ سرد و دنیای دو قطبی و فروپاشی شوروی قرار گرفت و داعیه بشردوستانه شان يك سره از مد افتاد. با سر کار آمدن حزب محافظه کار و بلوک راست و تشکیل دهندگان دولت جدید، محدودیتهای به مراتب بیشتری برای پناهجویان در سوئد ایجاد

شد. در آخرین انتخابات این کشور فاکتور دیگری به ضرر پناهندگان و مهاجرین نیز به شرایط سختی که اشاره کردم اضافه شد و يك حزب بیگانه ستیز بنام حزب دمکراتهای سوئد با ۲۰ درصد آرا به مجلس سوئد راه پیدا کرد و هرچه که به جلو آمدیم اوضاع اقتصادی بدتر شد و عملا شرایط و معیارهای پذیرش پناهندگی در سوئد هم دستخوش تحولات جهانی پس از جنگ سرد شد. اکنون که به آن دوران نگاه می کنید سالهاست آثاری از دولت رفاه در سوئد باقی نمانده است. نکته قابل توجه این است که علیرغم افزایش قیمت مایحتاج زندگی، از ۲۰ سال پیش کمک هزینه متقاضیان پناهندگی هیچ تغییری نکرده است. کمک هزینه مسکن نیز از ۱۱ سال پیش و کلاس زبان برای پناهجویان از دو سال پیش بطور کلی قطع گردیده است. همان طور که گفتم با سر کار آمدن بلوک

**ادامه نامه سرگشاده
فدراسیون ...
از صفحه ۱**

فدراسیون در نامه دیگری به تاریخ ۱۴ فوریه به اداره مهاجرت و دیگر مراجع حقوقی این کشور با جزئیات بیشتری به دلایل پناهندگی پروانه پرداخته است در بخش پایانی این نامه نیز به فعالیت های صورت گرفته در چند روز اخیر برای متوقف کردن حکم اخراج پروانه اشاره خواهد شد. حمید رضا نه تنها نباید به ایران بازگردانده شود که باید فوراً از بازداشتگاه آزاد گردد.

او مجرم نیست متقاضی پناهندگی است فعال سیاسی و مخالف رژیم اسلامی در ایران است. از جوانانی است که انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران را به افتضاح سیاسی تبدیل کردند. حمیدرضا حسنی قبل از خروج از ایران خبرنگار هفته نامه نوین در شهر کرج بوده و هنگام درخواست پناهندگی این موضوع را به اداره مهاجرت گفته و به آنها گفته بود که در ارتباط با همین موضوع از سوی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی تحت پیگرد بوده است. این دلیل اصلی درخواست پناهندگی وی از اداره مهاجرت سوئد بوده است.

حمیدرضا حسنی یابوند در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۹ از اداره مهاجرت این کشور درخواست پناهندگی کرد ولی متأسفانه وی نیز مثل بسیاری دیگر از

پناهجویان ایرانی از این اداره پاسخ رد گرفت. نکته قابل توجه این است که حمیدرضا به دنبال دریافت پاسخ نهائی از دادگاه مهاجرت این کشور، اداره مهاجرت در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۲ طی نامه ای از حمیدرضا خواسته بود به آنجا مراجعه کند تا در مورد ملزومات بازگشت وی به ایران صحبت کنند.

حمیدرضا در آن جلسه تصویری از فعالیت های سیاسی خود را بر علیه رژیم ایران به کارمند مشاور خود نشان داده بود و به وی گفته بود من می خواهم زنده بمانم؛ نمی خواهم به ایران برگردم تا مورد مجازات قرار بگیرم. به دنبال این ملاقات اداره مهاجرت رسماً حکم اخراج حمیدرضا را متوقف کرده بود.

اداره مهاجرت و پلیس امنیتی سوئد می دانند که دستگاههای قضائی و ارتش سایبری جمهوری اسلامی مدام در حال شناسایی و کنترل فعالیت سیاسی متقاضیان پناهندگی در خارج از کشور هستند. سال گذشته جمهوری اسلامی اعلام کرد که آنهاييکه در خارج از کشور بر علیه نظام فعالیت می کنند مطابق قانون به آنها برخورد می شود.

از اینرو به اطلاع اداره مهاجرت میرسانیم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی حمیدرضا را از نزدیک می شناسد و با فعالیت های اعتراضی و افشاگرانه وی علیه رژیم ایران آشنایی کامل دارد و از این نظر به تصمیم این اداره

در مورد بازداشت وی بشدت اعتراض می کنند. اداره مهاجرت کافی است اسم حمیدرضا حسنی یابوند را در اینترنت جستجو کند تا کلیپ ها و فیلمها و تصاویر زیادی را از فعالیت های سیاسی وی علیه رژیم ایران ببیند.

حمیدرضا از زمانی که به سوئد آمده است به عنوان يك فعال سیاسی با نام و مشخصات واقعی خود فعالیت سیاسی داشته و این فعالیت ها حمید را به يك چهره شناخته و معترض در میان جامعه ایرانی بویژه در شهر استکهلم تبدیل کرده است.

حمیدرضا از تابستان سال ۲۰۱۲ تا شب جمعه ۱۵ فوریه ۲۰۱۳ که از سوی پلیس این کشور بازداشت گردید، روزهای سه شنبه به همراه شمار دیگری از فعالین سیاسی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم دست به فعالیت افشاگرانه علیه رژیم ایران می زد.

در صفحه فیسبوک حمیدرضا تصویری از وی وجود دارد که نشان می دهد حمید رضا در حال آتش زدن عکس علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در مقابل سفارت ایران در استکهلم است. در فیلم ها و تصاویر فعالیت های حمیدرضا در یوتیوب و در فیسبوک وی، بارها دیده می شود که حمیدرضا در اعتراضات و گردهمایی ایرانیان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در حال فیلمبرداری و سخنرانی

شعار مرگ بر جمهوری است. علاوه بر اینها در ۱۷ فوریه ۲۰۱۳ یکی از تلویزیون های ماهواره ای بنام تلویزیون میهن که در آمریکا به زبان فارسی برنامه پخش می کند با حمیدرضا مصاحبه کرده است.

وی در این مصاحبه از مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی صحبت کرده است. تلویزیون دیگری به نام سیمای رهایی باز در همین مورد با حمیدرضا مصاحبه کرده است. اینها همه نشان می دهد که فعالیت های سیاسی حمیدرضا بر علیه جمهوری اسلامی در معرض دید همگان قرار دارد و اداره مهاجرت می داند که این نوع فعالیتها از دید رژیم ایران پنهان نیست.

از این بابت تصمیم اداره مهاجرت و دادگاه مهاجرت در مورد صدور حکم اخراج برای حمیدرضا و پروانه سرآبادانی به ایران بسیار خطرناک، ناعادلانه و غیر انسانی است و حکم اخراج آنها باید فوراً متوقف گردد.

پروانه سرآبادانی نیز از روزی که از فرودگاه به بازداشتگاه بازگردانده شده است تا بحال با چندین رادیو محلی و رسانه سراسری فارسی زبان در سوئد مصاحبه کرده و از تبعیض و بردگی زنان در قوانین اسلامی و رفتار تبعیض آمیز و نژاد پرستانه جمهوری اسلامی با اقلیت های مذهبی صحبت کرده و کلیپ های زیادی از وی در سایت ها و شبکه های اینترنتی پخش شده و بسیاری

از مردم با نگرانی به این موضوع نگاه می کنند. علاوه بر این چند روزنامه محلی در سوئد نیز از وی گزارش و عکس به چاپ رسانده اند.

برطبق همه دلایل و مقرراتی که برای پذیرش پناهندگان وجود دارد افرادی که در موقعیت امروز حمید رضا و پروانه قرار می گیرند باید برطبق شرایط Sur Place تحت حمایت بین المللی قرار گیرند. از این رو حکم اخراج حمید رضا حسنی یابوند و پروانه سرآبادانی به ایران باید فوراً متوقف گردد و اجازه اقامت آنها در سوئد برسمیت شناخته شود.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



از سایت کمیته

مبارزه برای

آزادی زندانیان

سیاسی دیدن

کنید

<http://cfppi.blogspot.com/>

ادامه مصاحبه با عبدالله

اسدی ...

از صفحه ۹

راست، بازار کار هم برای پناهجویان به کلی عوض شد. تا آن موقع پناهجویانی که همراه با دریافت پاسخ منفی، کمک هزینه آنها نیز قطع می شد می توانستند کم و بیش از طریق کار سیاه زندگی خود را تامین کنند. اما احزاب راست به رهبری حزب محافظه کار این کشور (مدراتها) از نظر ورود و خروج استفاده از دفترچه و کارت مجوز شغلی، مقررات بسیار سختگیرانه تری برای کارکنان رستورانها، مغازه داران و آرایشگاهها به اجرا گذاشتند و اکنون هم در حال جمع آوری و اخراج پناهجویانی هستند که مدتهاست کمک هزینه ای که به آنها تعلق می گرفت بدلیل عدم همکاری با پلیس برای بازگشت به کشورشان قطع شده است.

همبستگی: آیا فدراسیون برنامه مشخصی برای این وضعیت دارد؟

عبدالله اسدی: من همیشه گفته ام فدراسیون سازمانی است که کار و برنامه روتین خود را دارد و در اشکال گوناگونی برای دفاع از حقوق پناهندگی و علیه تبعیض و راسیسم و نژادپرستی مبارزه می کند. ولی گاهی اوقات شرایط خاصی پیش میاید که فدراسیون در هر جا که باشد بسته به توانش عکس العمل نشان می دهد. شرایطی که به تازگی در سوئد اتفاق افتاده است شکل و آرایش فعالیت فدراسیون را از حالت روتین خارج می کند. اولین اقدامی که در دست است سازماندهی حرکتی بزرگ در شهر استکهلم است که فعالیت حول آن از هفته اول ماه مارس شروع می شود و در بیستم ماه آوریل با برگزاری يك تظاهرات بزرگ برای اولین اقدام به تصمیم دولت سوئد مبنی بر اخراج پناهجویان بدون مدرک اعتراض می کنیم. این يك کمپین ۵۰ روزه علیه سیاست دیپورت است. در طول این ۵۰ روز اقدامات زیادی در دستور کار فدراسیون است بطوری که

تظاهرات ۲۰ آوریل به يك همایش پرشور در دفاع از حقوق پناهندگی تبدیل شود.

همبستگی: انتظار شما از مردم و خصوصا پناهجویان و کسانی که با اقدام اخیر دولت سوئد بشدت مخالف هستند چیست؟

عبدالله اسدی: توصیه من به پناهجویان این است که در هر شهر و کمپی که هستند بعنوان مبلغ و سازمانده این تظاهرات شروع به کار کنند. برای شرکت هرچه بیشتر مردم در این حرکت تبلیغ کنند، و هر جا که هستند با هم مشورت و هم نظری نمایند. در مورد چگونگی ایفای نقش خود و تاثیرات آن بر سیاست دیپورت پناهجویان صحبت کنند و دیگران را به شرکت گسترده در آن تشویق نمایند. تلاش ما باید این باشد که این کمپین و این تظاهرات را به کارزاری بزرگ بر علیه دیپورت پناهجویان به جهنم جمهوری اسلامی و افغانستان و بسیاری از کشورهای مشابه تبدیل کنیم. ما باید بتوانیم يك بار دیگر توجه افکار عمومی را

به آنچه که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی میگذرد آگاه سازیم و در عین حال روابط سیاسی و دیپلماتیک دولت سوئد با ایران و تاثیرات سایه شوم این روابط بر وضعیت پناهجویان ایرانی را هر چه بیشتر افشا کنیم. این يك هدف این کمپین است. هدف دیگر آن برگزاری کنفرانسهای مطبوعاتی، و جلسات مختلف با پناهجویان و علاقمندان برای ایجاد يك صف محکم و انسانی در مقابل اخراج پناهجویان و ایجاد يك فضای مبارزاتی در جامعه سوئد است. قرار است در طول این کمپین برای جلب توجه افکار عمومی نسبت به سیاست غیر انسانی دولت سوئد در برخورد به متقاضیان پناهندگی، یکبار دیگر آن را به عنوان يك معضل اجتماعی به سرتیتر رسانه های کشور تبدیل کنیم. فدراسیون باید در نامه های خود به احزاب و سازمانهای دولتی و غیر دولتی آنها را برای شرکت و سخنرانی در تظاهرات دعوت کند. دعوت ما از نمایندگان احزاب در پارلمان سوئد و

سازمانهای غیر دولتی برای شرکت در این تظاهرات این است که بتوانیم از این طریق تصمیم دولت و اداره مهاجرت مبنی بر دیپورت پناهجویان را به شکست بکشانیم. سازماندهی و ایجاد آمادگی برای برگزاری يك تظاهرات بزرگ در روز شنبه ۲۰ آوریل رئوس فعالیتهای دو ماه آینده فدراسیون در دفاع از حقوق پناهندگی میباشد. در این دو ماه باید دهها جلسه و برنامه تبلیغی در مناطق مرکزی شهرهای سوئد برگزار شود. از متقاضیان پناهندگی می خواهیم در هر کمپ و شهری که هستند به فکر شرکت وسیع در تظاهرات باشند و از هم اکنون برای اجاره وسیله سفر به استکهلم یکی دو نفر را مسئول جمع آوری هزینه سفر بکنند.

فدراسیون در اطلاعیه جداگانه ای با جزئیات بیشتری این موضوع را توضیح خواهد داد. ضرورت و اهمیت این موضوع می طلبد که همه پناهجویان و مدافعین حقوق پناهندگی به این حرکت پیوندند.

ادامه حکم دیپورت ...

از صفحه ۱

۲۹ ساله هم اکنون در حال دیپورت به ایران است. به ابتکار غفور عباس نژاد از مدافعین حقوق پناهندگی و افرادی از کلیسای شهر فلن برای ساعت ۸:۳۰ صبح فراخوان تجمع اعتراضی در

مقابل بازداشتگاه اداره مهاجرت داده شد و حدود ۳۵ نفر در مقابل بازداشتگاه فلن دست به اعتراض زدند. تعدادی هم از طرف سازمان سراسری پناهندگان - بیمرز در مقابل اداره مهاجرت در استکهلم همزمان دست به تجمع زدند.

يك مصاحبه ویدئوی با پروانه که از سرگذشت خود و شرایط جهنمی در ایران برای زنان

صحبت می کرد به طور گسترده ای توزیع شد. پروانه خود در طول مسیر فرودگاه تا داخل هواپیما در حال مقاومت بود و در کنار هواپیما فریاد میزد: "من را به ایران برنگردانید چون جمهوری اسلامی من را اعدام می کند." این اعتراضات دست به دست هم داد و بر تصمیمات خطرناکی که مراجع پناهنده پذیری سوئد

گرفته بودند تاثیرات تعیین کننده گذاشت و آنها را مجبور به متوقف کردن حکم دیپورت پروانه به طور موقت کرد و او را به همان بازداشتگاه بازگرداند. با توجه به نگاه داشتن وی در بازداشتگاه هنوز نمی توان گفت این خطر صد در صد رفع شده است.

اما اقدام به اخراج پروانه برای بار دوم کار ساده ای برای

دادگاه مهاجرت این کشور نیست و فدراسیون و دیگر مدافعین حقوق پناهندگان این اجازه را به آنها نخواهند داد. فدراسیون این موفقیت را به پروانه و فعالین خود و همه کسانی که در این مورد کاری انجام دادند تبریک می گوید.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد

ادامه هشت مارس ...

از صفحه ۱

فوریه ۱۹۰۹ پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فوریه، یک تظاهرات سراسری در آمریکا به مناسبت "روز زن" برگزار شود.

در سال ۱۹۱۰، «دومین کنفرانس زنان سوسیالیست» که کلارا زتکین از رهبران آن بود، به مسئله تعیین "روز بین‌المللی زن" پرداخت. زنان سوسیالیست اتریشی قبلاً "روز اول ماه مه" را پیشنهاد کرده بودند. اما اول ماه مه، جایگاه و مفهومی داشت که می‌توانست اهمیت و جایگاه مبارزه مشخص بر سر مسئله زن را تحت الشعاع قرار دهد. زنان سوسیالیست آلمان، روز ۱۹ مارس را پیشنهاد کردند. مناسبت این روز، مبارزات انقلابی در سال ۱۸۴۸ علیه رژیم پادشاهی پروس بود که به عقب‌نشینی لفظی حکومت در نوزدهم مارس همان سال، من جمله در مورد مطالبات زنان، انجامید.

"دومین کنفرانس زنان سوسیالیست" تاریخ برگزاری نخستین مراسم "روز زن" را ۱۹ مارس ۱۹۱۱ تعیین کرد. تصمیم‌گیری قطعی برای تعیین "روز جهانی زن" به بعد موکول شد.

بعد از انتشار قطعنامه کنفرانس در مورد تعیین "روز جهانی زن"، انترناسیونال دوم از این تصمیم حمایت کرد، و نخستین تشکیلاتی بود که

این روز را به رسمیت شناخت. ۱۹ مارس ۱۹۱۱ خیابان‌های آلمان، اتریش، سوئیس و دانمارک با مارش زنان به لرزه در آمد. شمار زنان تظاهر کننده در اتریش به ۳۰ هزار نفر می‌رسید. نیروهای پلیس به تظاهرات حمله بردند و به زدن زنان پرداختند و گروهی را دستگیر کردند.

سال ۱۹۱۳ "دبیرخانه بین‌المللی زنان" (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به‌عنوان "روز جهانی زن" انتخاب کرد. در همان سال، زنان زحمتکش و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در سراسر اروپا، مراسم "۸ مارس" را بشکل تظاهرات و میتینگ برگزار کردند.

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول دررفت. در اروپا که مرکز جنگ بود، زنان انقلابی تلاش کردند تظاهرات ۸ مارس ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ را تحت شعار مرکزی "علیه جنگ امپریالیستی" برگزار کنند. در کشورهای دیگر جنگ، طبقات مختلف به موافقان و مخالفان جنگ تقسیم شده بودند و انشعاب در صفوف جنبش زنان، مانع از برگزاری سراسری و گسترده "روز جهانی زن" شد.

در سال ۱۹۱۷ تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد علیه گرسنگی و جنگ و تزاریسم، بانگ آغازین انقلاب روسیه بود. کارگران شهر در پشتیبانی از این تظاهرات، اعلام اعتصاب عمومی کردند. ۸ مارس

۱۹۱۷ به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد.

سال ۱۹۲۱، "کنفرانس زنان انترناسیونال سوم کمونیستی" در مسکو برگزار شد. در آن کنفرانس، روز ۸ مارس به‌عنوان "روز جهانی زن" بتصویب رسید. کنفرانس، زنان سراسر دنیا را به گسترش مبارزه علیه نظم موجود و برای تحقق خواسته‌هایشان فرا خواند.

از اواسط دهه ۱۹۳۰، دنیا یک بار دیگر بسوی جنگ جهانی جدید روان شد. برگزاری تظاهرات "روز جهانی زن" در کشورهایایی که تحت سلطه فاشیسم بودند، غیر قانونی اعلام شد. علی‌رغم این ممنوعیت، در هشتم مارس ۱۹۳۶، زنان در برلین تظاهرات کردند. در همان روز، اسپانیای فاشیست شاهد تظاهرات هشتم مارس در مادرید بود. ۳۰ هزار زن کمونیست و جمهوریخواه، شعار "آزادی و صلح" سر دادند.

در پی جنگ جهانی دوم، انقلابات و جنبشهای رهایی‌بخش در کشورهای چندی درگرفت. چین با شمار عظیم زنان و مردانش در زمانی کوتاه گامهای بزرگی در جهت رهایی زنان به پیش برداشت. در آن سال‌ها، عمدتاً دولت‌ها و تشکیلات مترقی و انقلابی در بر پایسی "روز جهانی زن" می‌کوشیدند.

در دهه ۱۹۶۰، در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین جنبشهای رهایی‌بخش پیا خاسته بود. در

کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته نیز جنبشها و مبارزات انقلابی و ترقی خواهانه بالا گرفته بود و جنبش رهایی زن نیز اوج و گسترشی چشمگیر یافت.

در آمریکا و اروپا، زنان علیه سنن و قیود و قوانین مردسالارانه و احکام اسارت بار کلیسایی بپا خواستند. در جنبش زنان موضوعاتی نظیر حق طلاق، حق سقط جنین، تامین شغلی، منع آزار جنسی، ضدیت با هرزه‌نگاری، کاهش ساعات کار روزانه و غیره مطرح شد. این جنبش موفق شد در برخی از این زمینه‌ها پیشروی کند. در تظاهرات هشتم مارس ۱۹۶۹ زنان در دانشگاه برکلی در آمریکا گرد آمدند و علیه جنگ در ویتنام تظاهرات کردند.

در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل در قطعنامه ای ۸ مارس را با عنوان "روز حقوق زنان و صلح بین‌المللی" وارد تقویم رسمی خود کرد.

بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم و بالاخص از اواخر دهه ۱۹۷۰، با توسعه سرمایه‌داری به کشورهای عقب مانده، بخش‌های بزرگتری از زنان درگیر کار و تحصیل گشتند. در عین حال، زنان همچنان در جامعه موقعیتی درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بودند. این تناقض، مسئله زن را حادثر و انفجاری تر کرد.

و همچنان زن و موقعیت وی در جوامع مختلف یک مسئله مهم و مورد بحث است. در اثر به یمن مبارزات زنان و مردان

برابری طلب موقعیت زنان در جای جای دنیا پیشرفتهای بسیاری کرده ولی کماکان زن در موقعیتی فرودست قرار دارد و تا زمانی که این فرودستی وجود دارد هر روز روز زن است.

امسال در شرایطی به پیشواز هشت مارس میرویم که زنان در جای جای دنیا بپا خاسته و هم آواز از حقوق انسانی خود دفاع میکنند.

در قرن ۲۱ و در بحبوحه پیشرفتهای تکنولوژیک دنیا، هنوز زنان مورد خشونت و تجاوز قرار میگیرند و هنوز زنان در کشورهای اسلامی شهروند درجه چندم هم به حساب نمیایند اما در عین حال شاهد مبارزه ای متحدانه و مشارکت هر چه بیشتر زنان در مبارزات اجتماعی هستیم. دیدیم که در انقلاب ۸۸ در ایران زنان چگونه پا به پای مردان خیابانهای تهران و دیگر شهرهای ایران را درنوردیدند. شاهد بوده و هستیم که در بهار عربی زنان چگونه در صف اصلی مبارزه بودند و میدان التحریر چگونه زیر پای آنان داغ شده بود. و شاهدیم که در جای جای دنیا و به اشکال مختلف زنان چگونه با تابو شکنی به جنگ و مبارزه علیه نابرابری جنسیتی میپردازند. آن و در پایان ما شاهد یک تحول جهانی و زنانه در سراسر دنیا هستیم.

به امید عملی شدن این تحول و به امید روزی که در آن زن و مرد در موقعیت کاملاً برابر و انسانی در کنار هم زندگی کنند.